



داستان گویی و روایت گری برای حمایت از دیگری

درس نامه



داستان‌گویی و روایت‌گری برای حمایت از دیگری

درس‌نامه



توایا
TAVANA

آموزش‌کده آنلاین
برای جامعه مدنی ایران

e-collaborative

for civic education



www.tavaana.org

پروژه

e-collaborative
for civic education

www.eciviced.org

داستان‌گویی و روایت‌گری برای حمایت از دیگری
درس‌نامه

ناشر: E-Collaborative for Civic Education

تابستان ۱۴۰۳

© E-Collaborative for Civic Education 2024

e-collaborative for civic education

(ECCE (E-Collaborative Civic Education) یک سازمان غیرانتفاعی در ایالات متحده آمریکا تحت 501c3 است که از فناوری اطلاعات و ارتباطات برای آموزش و ارتقای سطح شهروندی و زندگی سیاسی دموکراتیک استفاده می‌کند.

ما به عنوان بنیان‌گذاران و مدیران این سازمان اشتیاق عمیق مشترکی داریم که شکل‌دهنده ایده‌های جوامع باز است. همچنین برای ما، شهروند، دانش شهروندی، مسئولیت و وظیفه شهروندی یک فرد در محافظت از جامعه سیاسی دموکراتیک پایه و اساس کار است؛ همان‌طور که حقوق عام بشر که هر شهروندی باید از آن‌ها برخوردار باشد، اساسی و بنیادی هستند. ECCE دموکراسی را تنها نظام سیاسی قادر به تأمین طیف کاملی از آزادی‌های شهروندی و سیاسی برای تک‌تک شهروندان و امنیت، برابری و عدالت می‌داند. ما دموکراسی را مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نهادها و فرایندهای دانی که میسر صلح، توسعه، تحمل و مدارا، تکرگرایی و جوامعی شایسته‌سالار است که به کرامت انسانی و دستاوردهای انسانی ارج می‌گذارند.

ما پروژه اصلی ECCE یعنی «آموزشکده توانا: آموزشکده مجازی برای جامعه مدنی ایران» را در سال ۲۰۱۰ تأسیس کردیم. آموزشکده توانا در ارائه منابع و آموزش در دنیای مجازی در ایران، یک نهاد پیشرو است. توانا با ارائه دوره‌های آموزشی زنده در حین حفظ امنیت و با ناشناس ماندن دانشجویان، به یک جامعه آموزشی قابل اعتماد برای دانشجویان در سراسر کشور تبدیل شده است. این دروس در موضوعاتی متنوع مانند نهادهای دموکراتیک، امنیت دیجیتال، حقوق زنان، وب‌نويسي، جدایی دین و دولت و توانایی‌های رهبری ارائه می‌شوند. آموزشکده توانا آموزش زنده دروس و سمینارهای مجازی را با برنامه‌هایی مثل مطالعات موردی در جنبش‌های اجتماعی و گذارهای دموکراتیک، مصاحبه با کنشگران و روشنفکران، دستورالعمل‌های خودآموز، کتابخانه مطالب توصیفی، ابزارهای کمکی و راهنمایی برای آموزشگران ایرانی و حمایت مداوم و ارائه مشاوره آموزشی برای دانشجویان تکمیل کرده است.

تلاش ما برای توسعه توانایی‌های آموزشکده توانا متوجه گردآوردن بهترین متفکران ایران و صداهای حذف‌شده است. به همین ترتیب، به دنبال انتشار و ارتقای آثار مکتوب روشنفکران ایرانی هستیم که ایده‌های آنان در جمهوری اسلامی ممنوع شده است.

یکی از نقاط تمرکز تلاش توانا، ترجمه متون کلاسیک دموکراسی و مقالات معاصر در این باره و نیز ترجمه آثار مرتبط با جامعه مدنی، حقوق بشر، حاکمیت قانون، روزنامه‌نگاری، کنشگری و فناوری اطلاعات و ارتباطات است. امید ما این است که این متون بتواند سهمی در غنای فردی هم‌وطنان ایرانی و بساختن نهادهای دموکراتیک و جامعه‌ای باز در ایران داشته باشد.

سپاسگزار بازتاب نظرات و پیشنهادهای شما!

فهرست

۷	پیش‌گفتار
۹	درس نخست: جرم سیاسی چیست؟
۱۲	درس دوم: دادرسی جرائم سیاسی در ایران
۱۵	درس سوم: ۳ نکته مهم درباره یک کمپین موفق
۱۸	درس چهارم: داستان‌گویی چیست؟
۲۳	درس پنجم: بسط و گسترش رویدادهای داستان
۲۷	درس ششم: روش‌های داستان‌گویی
۳۱	درس هفتم: آماده‌سازی روایت و به اشتراک‌گذاری داستان
۳۷	درس هشتم: مثال‌های موفق کمپین‌های داستان‌گویی

پیش‌گفتار

دوره «داستان‌گویی و روایت‌گری برای حمایت از دیگری»^۱ سال ۱۴۰۳ خورشیدی با تدریس فرید حائری‌نژاد، مستندساز و روزنامه‌نگار، و نوید خزانهای، وکیل و پژوهشگر حقوقی، با هدف کمک به شهروندان برای ساخت روایت و ایجاد کمپین و تولید انواع محتوای هنری یا محتوا برای شبکه‌های اجتماعی در راستای تقویت صدای زندانیان سیاسی و عقیدتی و بازتاب نقض گسترده حقوق بشر در ایران برگزار شد. قربانیان نقض حقوق بشر نیز از محتوای این دوره برای روایت تجربه‌هایشان می‌توانند بهره بگیرند.

در این دوره آموزشی ابتدا با مفاهیمی مانند «جرم سیاسی» و «وضعیت پرونده‌های سیاسی» آشنا می‌شویم؛ این‌که در کل چرا شهروندان و کنشگران در ایران صرفاً به دلیل ابراز عقیده، نوع نگرش یا انجام کنش‌های سیاسی و مدنی، شکنجه، زندانی یا حتی کشته می‌شوند. در ادامه به کمپین‌سازی و سپس عمیق‌تر و دقیق‌تر به داستان‌گویی و روایت‌گری می‌پردازیم و نمونه‌هایی از کمپین‌های موفق نیز مطرح می‌شود.

در پایان این دوره، شرکت‌کنندگان علاوه بر آشنایی با یک پرونده سیاسی، با اصول و فنون داستان‌گویی آشنا می‌شوند و مهارت‌هایی را کسب می‌کنند که در ارتباط با داستان‌هایی که می‌خواهند روایت کنند، بسیار مفید خواهد بود. با این امید که روایت این

رنج‌ها و وضعیت‌های دردناک و غیرانسانی، هرچه قوی‌تر و موثرتر انجام شود، بهتر و بیش‌تر می‌تواند نوری به تاریکی بتاباند.

اکنون این درس‌نامه، شامل متن آموزشی این دوره، در دسترس شما مخاطبان قرار می‌گیرد. به امید این‌که راهکارهای ارائه‌شده در این مجموعه، یاری‌رسان شما در پیشبرد اهداف کنشگری در ایران باشد.

درس نخست: جرم سیاسی چیست؟

به طور کلی جرائم سیاسی، اعمالی هستند که صدمه مشخصی بر جان یا مال افراد جامعه نمی‌زنند بلکه قراردادهای اجتماعی را به چالش می‌کشند. به عبارت دیگر، این قدرت سیاسی حاکم است که برای حفظ قدرت خود به جرم‌انگاری اعمالی که آن قراردادهای را به چالش می‌کشد، دست می‌زند.

برای مثال، در ایران فردی که به اصطلاح به جرم «تبلیغ همجنس‌گرایی در رسانه‌های اجتماعی» دستگیر می‌شود، با این تعریف، یک جرم سیاسی مرتکب شده است؛ چرا که محتوای به اصطلاح «مجرمانه» آن متهم، قربانی جانی یا مالی مشخصی ندارد اما قراردادهای جنسی را با بیان خودش به چالش کشیده است. از طرف دیگر نیز حاکمیت برای حفظ قدرت خود نیاز به جرم‌انگاری محتوایی دارد که آن قراردادهای جنسی را به چالش می‌کشد.

یا فردی که به خاطر «آموزش آیین بهائیت» دستگیر می‌شود، ذیل این تعریف، یک جرم سیاسی مرتکب می‌شود؛ چرا که محتوای به اصطلاح «مجرمانه» آن متهم، قربانی جانی یا مالی مشخصی ندارد، بلکه قراردادهای اجتماعی را به چالش می‌کشد؛ قراردادهایی که به عنوان «مقدسات» قدرت سیاسی حاکم در آمده و حاکمیت تصمیم گرفته است برای حفظ قدرت، محتوایی که آن قراردادهای را به چالش می‌کشد جرم‌انگاری کند.

همچنین فردی که به جرم «توهین به یک مقام عالی حکومت» دستگیر می‌شود،

ذیل این تعریف یادشده یک «جرم سیاسی» مرتکب می‌شود. چرا که محتوای به اصطلاح «مجرمانه» آن متهم، قربانی جانی یا مالی مشخصی ندارد، بلکه قراردادی را به چالش می‌کشد که طبق آن نباید به مقامات عالی «توهین» کرد. در این مورد نیز حاکمیت برای حفظ قدرت خود نیاز به جرم‌انگاری این محتوایی دارد که چنین قرارداد اجتماعی را به چالش می‌کشد.

در اکثر مواقع، ابزار استفاده‌شده در جرم سیاسی، «بیان» یک متهم است که به شکل لغات انتقادی، گفت‌وگوهای جمعی یا سبک زندگی متفاوت درآمده است، طوری که به حاکمیت این احساس را می‌دهد که صرف «بیان» آن‌ها، قدرت سیاسی‌اش را به خطر می‌اندازد.

البته در برخی مواقع اتهامات یک مجرم سیاسی، شامل صدمه جانی یا مالی به فرد یا افراد مشخصی می‌شود اما قدرت یا در میزان چنین صدمات جانی یا مالی اغراق می‌کند یا به کل دروغ می‌گوید، چرا که نیت اصلی حاکمیت در آن پرونده‌ها همچنان مجازات حداکثری جنبه‌ای از اعمال آن مجرم است که صدمه جانی یا مالی نداشته بلکه قدرت سیاسی حاکمیت را هدف گرفته است.

به عنوان مثال فردی که به جرم خشونت فیزیکی علیه یک مامور انتظامی در تظاهراتی به مناسبت تقاضا برای رفراندوم قانون اساسی دستگیر می‌شود، ممکن است اصلاً خشونتی که به آن متهم شده را انجام نداده باشد یا حاکمیت در میزان صدمه ناشی از آن خشونت اغراق کند. در حقیقت، حاکمیت قصد دارد که چنین متهمی را به خاطر «جرم سیاسی» شرکت در تظاهرات به اتهام جعلی خشونت فیزیکی علیه پلیس مجازات کند یا بیش‌تر از میزان معمول مجازات خشونت فیزیکی علیه پلیس مجازات کند.

در نتیجه، جامعه مدنی باید نظارت دقیق‌تری بر پرونده‌هایی داشته باشد که اتهامات در آن، هم شامل صدمات جانی یا مالی بر گروهی مشخص می‌شود و هم شامل اعمالی که قدرت سیاسی را هدف گرفته‌اند. چرا که حاکمیت می‌داند که اتهاماتی که شامل صدمات جانی یا مالی بر گروهی مشخص می‌شود می‌تواند هم‌دلی مردم عادی یا راهبران جهانی را برانگیزد. برچسب «تروریست»، «تخریب‌گر بانک» یا «قاتل» در چنین پرونده‌هایی به‌راحتی می‌توانند به عنوان ابراز تبلیغاتی حاکمیت قرار بگیرد تا حساسیت مردم محلی یا جامعه جهانی را نسبت به اعمال مجازات ناعادلانه علیه فردی که حاکمیت آن را قلباً

«دشمن سیاسی» خود می‌پندارد، کم کند. اکثر افراد نسبت به امنیت جانی یا مالی خود حساس هستند و حاکمیت با علم بر این نکته در تبلیغات سعی می‌کند این پیام را به گوش مخاطب برساند که قربانی «دشمن سیاسی» خود - که به شکل مجرم امنیتی یا کیفری معرفی می‌شود - تمام افراد جامعه می‌توانستند باشند و خصوصیات قدرت سیاسی فعلی نقشی در ایجاد جرم یا مجرم شناختن متهم نداشته.

همچنین جامعه مدنی باید مراقب باشد که اتهاماتی که شامل صدمات جانی یا مالی مشخص می‌شوند برای مجازات جمعی هم‌فکران و اطرافیان متهم استفاده نشود. به عنوان مثال، اگر فردی هنگام دستگیری در تظاهراتی به مناسبت رفتارندوم قانون اساسی مرتکب خشونت فیزیکی علیه نیروی انتظامی بشود، فقط خود او مسئول چنین خشونتی است. ولی در خیلی موارد، حاکمیت سعی می‌کند تمام افراد شرکت‌کننده در آن تظاهرات یا حلقه دور متهم را افرادی معرفی کند که علیه نیروی انتظامی دست به خشونت می‌زنند. برای خنثی کردن این استراتژی حکومت به منظور انتقام جمعی از منتقدان و مخالفان، جامعه مدنی لازم است که بر مسئولیت فردی در جرائم جنایی تأیید بکند و همچنین افکار عمومی را تعلیم بدهد که اتهاماتی از سوی حاکمیت مبنی بر آسیب جانی یا مالی توسط گروهی را به‌راحتی باور نکنند و مدارکی که حاکمیت برای اثبات چنین اتهاماتی استفاده می‌کند را با دقت بررسی بکنند؛ حتی مدرکی که شامل تکه ویدیویی از وقوع یک جرم باشد، می‌تواند تقلبی یا گمراه‌کننده باشد و از همه مهم‌تر این‌که در ویدیو نیت و انگیزه افراد برای ارتکاب اعمال خود غالباً نمی‌تواند نمایش داده شود.

درس دوم: دادرسی جرائم سیاسی در ایران

تحقیقات مقدماتی

اولین مرحله رسمی در روند دادرسی پرونده‌های جزایی در ساختار حقوقی فعلی ایران، مرحله «تحقیقات مقدماتی» است که به منظور کشف جرم، حفظ مدارک ارتکاب و همچنین تعقیب متهم از زمان صدور قرار جلب تا سپردن پرونده به دادگاه برای رأی انجام می‌شود.

مرحله «تحقیقات مقدماتی»، مرحله بسیار سرنوشت‌سازی برای پرونده‌های جزایی در ایران محسوب می‌شود؛ زیرا که اکثر ادله و مدارکی که بعدها دادگاه بررسی می‌کند، در این مرحله جمع‌آوری می‌شود. مرحله تحقیقات مقدماتی در تعیین سرنوشت پرونده‌های سیاسی، حتی نقش مهم‌تری را هم بازی می‌کند؛ چرا که دادگاهی که بعد از پایان مرحله «تحقیقات مقدماتی» انجام می‌شود، معمولاً نمایشی و کوتاه است و قضات غالباً به گزارشی که ماموران اطلاعاتی در پایان مرحله «تحقیقات مقدماتی» تهیه می‌کنند، مهر تایید می‌زنند.

اگر چه طبق قوانین فعلی، بازپرس برای شروع تحقیقات مقدماتی یک پرونده جزایی، نیاز به جواز حقوقی دارد، ولی در پرونده‌های سیاسی بازپرس در خیلی مواقع سرخود و بدون جواز حقوقی، مرحله تحقیقات مقدماتی را شروع می‌کند که گاه با بازداشت سرزده و غیرقانونی متهم هم همراه است. همچنین باید بگوییم که وکیل متهم، در مرحله تحقیقات

مقدماتی، حق دخالت در پرونده را ندارد.

مرحله تحقیقات مقدماتی، یکی از نقاط روند دادرسی پرونده‌های سیاسی است که جامعه مدنی می‌تواند در آن به متهم کمک کند. دادستان و ماموران اطلاعاتی معمولاً زمانی که بدانند متهم، فرد شناخته‌شده‌ای است که زندگی‌اش برای افکار عمومی یا جامعه مهم است، قوانین مربوط به روند دادرسی او را نسبتاً بهتر رعایت می‌کنند. در نتیجه یکی از راه‌کارهای موثر برای کمک به یک متهم سیاسی، این است که به محض دستگیری، افکار عمومی و جامعه جهانی را از داستان زندگی متهم و گرفتاری حقوقی او آگاه کنیم. این امر آگاه‌سازی در مورد یک پرونده سیاسی می‌تواند به شکل نامه‌نویسی برای موسسات حقوق بشری بین‌المللی باشد، یا اطلاع‌رسانی در شبکه‌های اجتماعی و مصاحبه با رسانه‌های مختلف، یا روش‌های خلاق دیگری که در درس‌های بعدی بیش‌تر به آن می‌پردازیم.

در گذشته، بارها گزارش شده که ماموران اطلاعاتی به خانواده متهمان سیاسی فشار آورده‌اند که اگر در مورد پرونده متهم اطلاع‌رسانی کنند، مجازات متهم سنگین‌تر می‌شود ولی تجربه نشان داده که اتفاقاً متهمان سیاسی که مرحله «تحقیقات مقدماتی» پرونده‌شان در خفا و خارج از توجه افکار عمومی و جامعه جهانی انجام شده است، در نهایت، مجازات سنگین‌تری گرفته‌اند.

از آنجایی که یکی از اهداف مرحله تحقیقات مقدماتی گردآوری مدرک علیه متهم است، جامعه مدنی باید به محض اطلاع از آغاز یک پرونده سیاسی یا دستگیری متهم، از طریق فعالان یا موسسات حقوق بشری معتبر پیگیر این باشد که حساب‌های کاربری متهم در فضای مجازی بسته شوند تا ماموران اطلاعاتی فرصت سرقت اطلاعات متهم را نداشته باشند.

بازداشت موقت

درباره جرائم سیاسی، ذیل قوانین فعلی بازپرس پرونده می‌تواند متهم را تا چهار ماه در بازداشتگاه وزارت اطلاعات برای تکمیل مرحله تحقیقات مقدماتی نگه دارد. ولی بعد از این مدت، بازپرس پرونده برای ادامه بازداشت نیاز به اجازه قوه قضائیه دارد که معمولاً این اجازه به وزارت اطلاعات در قریب به اتفاق مواقع، داده می‌شود. در صورت تمدید قرار بازداشت موقت، فرد می‌تواند ظرف ده روز برای پایان بازداشت خود از دادگاه تقاضای تجدیدنظر کند

ولی متأسفانه به دلیل عدم آگاهی برخی زندانیان سیاسی این تقاضا معمولاً انجام نمی‌شود.

حکم دادگاه

همان‌طور که پیش‌تر هم گفته شد، پس از پایان مرحله تحقیقات مقدماتی، ذیل ساختار حکومت فعلی ایران که در آن استقلال قوه قضائیه معنی ندارد، دادگاه در اکثر پرونده‌ها تنها بر گزارش ماموران اطلاعاتی مهر تایید می‌زند و در مورد پرونده‌های سیاسی در بسیاری از موارد، حتی طبق قوانین خود جمهوری اسلامی، لزوم برگزاری علنی محاکمات را رعایت نمی‌کند. بنابراین می‌بینید که نقش وکیل برای کمک به متهم سیاسی در این مرحله بسیار محدود است.

تقاضای تجدید نظر

محکومان سیاسی این حق را دارند که درباره حکم خود از شعب دادگاه‌های تجدیدنظر، تقاضای بررسی دوباره کنند. علی‌رغم عدم استقبال قوه قضائیه در ساختار فعلی، این مرحله امکان فرصتی دوباره می‌دهد که با استفاده از اهرم‌های اجتماعی یا سیاسی - که در قسمت‌های بعدی بیش‌تر به آن می‌پردازیم - دادگاه تجدید نظر را قانع کند که در حکم، اعمال تخفیف کند.

درس سوم: ۳ نکته مهم درباره یک کمپین موفق

انجام یک کمپین اجتماعی یا سیاسی در یک ساختار حکومتی مستبد، مثل حکومت فعلی ایران، به دلیل محدودیت‌های آزادی بیان، تجمع، و مطبوعات، می‌تواند با چالش‌های منحصر به فردی همراه باشد. با این حال با برنامه‌ریزی استراتژیک، اجرای حساب‌شده و استمرار، تغییر، هرچند سخت اما می‌تواند ممکن باشد. در این قسمت ۳ نکته مهم را بررسی می‌کنیم که برای برنامه‌ریزی و اجرای موثر چنین کمپینی خوب است در نظر گرفته شود.

۱- درک پیش‌زمینه

بسیار مهم است که پیش‌زمینه سیاسی، فرهنگی یا اجتماعی کشور را درک کنیم. این شامل درک دقیق ساختارهای قدرت و ارزش‌هایی است که با آن ساختارها آمیخته می‌شود. برای مثال در درس‌های گذشته به این اشاره کردیم که مرحله تحقیقات مقدماتی در پرونده‌های سیاسی جایی‌ست که می‌شود با کمپینی از بیرون، بیش‌ترین تاثیر را بر سرنوشت پرونده گذاشت.

از جمله ارزش‌هایی که ماموران اطلاعاتی به آن معتقدند یا ادعا می‌کنند که به آن معتقدند «امنیت عمومی» است. در چنین کمپینی‌هایی لازم است که تاکید شود که چرا احترام به «آزادی بیان»، به جای محاکمه کسی با تفکر انتقادی، در نهایت منجر به تقویت

قرارداد اجتماعی و امنیت عمومی کشور می‌شود؟

۲- استفاده از ابزارهای آگاه‌سازی به صورت غیرمستقیم

در مواقعی که آگاهی‌سازی در مورد یک موضوع اجتماعی یا سیاسی به شیوه مستقیم، خطرناک یا ممنوع است، استفاده از شعر، داستان و استعاره می‌تواند راه بهتری باشد. مثلاً، فیلم‌سازی که می‌خواهد در مورد موضوع تغییرات جوی آگاهی‌سازی کند اما در یک فضایی زندگی می‌کند که بحث یا اعتراض مستقیم در مورد این موضوع ممنوع است، به جای ساخت یک مستند یا گزارش خبری در مورد تغییرات آب و هوا می‌تواند یک فیلم داستانی جذاب بسازد.

در این فیلم، شخصیت اصلی کشاورزی است که محصولاتش هر سال بیش‌تر از سال پیش نابود می‌شود. فیلم نشان می‌دهند که چگونه زندگی این کشاورز به تدریج سخت‌تر می‌شود و جامعه به دلیل کمبود غذا شروع به فروپاشی می‌کند. فیلم هرگز به صورت مستقیم به تغییرات آب و هوا اشاره نمی‌کند، اما از طریق داستان، عواقب الگوهای عواقب تغییرات جوی و تاثیر ویرانگر آن‌ها را به زندگی افراد نشان می‌دهند. چنین فیلمی می‌تواند بحث‌هایی را در میان تماشاگران برانگیزد که منجر به افزایش آگاهی و نگرانی آن‌ها در مورد تغییرات جوی می‌شود.

۳- استفاده از حمایت بین‌المللی

در حالی که باید خطر اتهام «دخالته خارجی» را در نظر گرفت، حمایت بین‌المللی می‌تواند در صورت استفاده درست، ابزار موثری باشد. برای مثال، با استفاده از چنین حمایتی می‌توان به تصمیم‌گیران اطلاعاتی و سیاسی یادآوری کرد که چگونه یک پرونده سیاسی خاص می‌تواند افکار عمومی در خارج را علیه آن‌ها بسیج کند؛ طوری که در مذاکرات بین‌المللی به منافع اقتصادی آن‌ها ضربه بزند.

درباره وضعیت فعلی ایران، از آن جایی که حکومت جمهوری اسلامی روزبه‌روز بیش‌تر به حمایت چین تکیه می‌کند، در موضوعاتی ممکن است که بتوان حتی از رسانه‌های چینی برای پیشبرد اهداف حقوق بشری استفاده کرد. مثلاً، درباره موضوع حجاب اجباری، قوانین فعلی ایران حتی با ارزش‌های سیستم چین - که در آن به عادلانه‌بودن قوانین بر

اساس «علم» تاکید می‌شود - جور در نمی‌آید.

استمرار عمل تغییر در یک سیستم مستبد، اغلب زمان می‌برد و شامل ناکامی‌های زیاد می‌شود. اصرار و ایستادگی اهمیت حیاتی بسیاری دارد. مهم است به خاطر داشته باشیم که هر موقعیتی منحصر به فرد است و آنچه در یک موضوع یا پرونده خاص کار می‌کند، ممکن است در موضوعات یا پرونده‌های دیگر کار نکند. بنابراین هر کمپین آگاهی‌سازی باید مطابق با شرایط خاص کشور و مسئله مورد نظر تشکیل شود.

درس چهارم: داستان‌گویی چیست؟

تعریف داستان‌گویی (Storytelling)

داستان‌سرایی به عنوان یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین روش‌های ارتباطی، برای انتقال افکار و ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و شخصی به کار می‌رود. با گذشت زمان، داستان‌سرایی از یک ابزار برای ارتباط و تعامل، به یک هنر تبدیل شده است که در فرهنگ‌های مختلف به عنوان یک شکل اصلی اثر هنری شناخته می‌شود. در قصه‌گویی، روایتگر با استفاده از کلمات، نمادها و حتی حرکات بدن، داستانی را برای مخاطب تعریف می‌کند. داستان‌گو می‌تواند داستانی از یک تجربه شخصی، یک افسانه، یک اسطوره یا حتی یک فیلم یا کتاب را بازگو کند. این داستان‌ها می‌توانند برای آموزش، تفریح، تسلی، ایجاد ترس یا الهام‌بخشیدن به کار برده شوند.

بخشی از مهارت داستان‌گویی، در داستان‌سرایی، توانایی ایجاد تصاویر ذهنی در مخاطب است. با استفاده از کلمات و نمادها، داستان‌گو می‌تواند تصاویری در ذهن شنونده ایجاد کند که به داستان و محتوای آن ارتباط دارند. همچنین، روایت‌گر می‌تواند با استفاده از صدا، آهنگ و حرکات بدن خود، احساسات و حالت روحی شخصیت‌های داستان را به نمایش بیاورد و این باعث می‌شود که شنوندگان بتوانند با احساسات شخصیت‌ها همراه شوند و با آن‌ها همدردی و همدلی کنند. قصه همچنین می‌تواند به عنوان یک ابزار برای ساختن هویت فردی و اجتماعی استفاده شود.

در کل می‌توان گفت که داستان‌سرایی به عنوان یکی از ابزارهای قدرتمند برای ارتباط و انتقال دانش، ارزش‌ها و احساسات، در فرهنگ ما جایگاهی ویژه دارد. با تسلط در بیان روایت‌ها و بازگویی داستان‌هایی که به تجربه‌ها و ارزش‌های فردی یا اجتماعی مرتبط هستند، افراد می‌توانند درک بهتری از خود و جامعه به دست دهند.

فواید قصه‌گویی برای زندانیان سیاسی و عقیدتی

داستان‌سرایی می‌تواند برای زندانیان کاربرد ویژه خود را داشته باشد. زندانیانی که به دلیل عقیده، نوع نگرش یا انجام فعالیت‌های مدنی، شکنجه، زندانی یا حتی محکوم به اعدام می‌شوند، می‌توانند از داستان‌گویی به عنوان یک ابزار قدرتمند برای حفظ هویت، انتقال اطلاعات و تجارب و برقراری ارتباط با جامعه استفاده کنند.

به عنوان نمونه، مهدی اصلانی، زندانی سیاسی دهه ۶۰ خورشیدی، از طریق نوشتن داستان‌ها و خاطرات خود به روایت زندگی و شرایط داخل زندان‌ها و مسائل مربوط به اعدام در ایران می‌پردازد. او با استفاده از داستان‌گویی، نه تنها تجارب شخصی خود را با دیگران به اشتراک می‌گذارد بلکه صدای دیگر زندانیانی که شاید فرصت یا توانایی بیان داستان خود را نداشته باشند، می‌شود. اصلانی در نوشته‌های خود به تفصیل به توصیف زندگی روزمره در زندان، چالش‌های روحی و روانی زندانیان و فشارهایی که بر آن‌ها وارد می‌شود می‌پردازد. این داستان‌ها نه تنها برای آگاهی‌بخشی به جامعه اهمیت دارند، بلکه به عنوان منبع الهام و امید برای دیگر زندانیان و مخالفان حکومت هم عمل می‌کنند.

یک زندانی، چه در حبس و چه پس از آزادی، ممکن است احساس تنهایی، ناامیدی و بی‌اعتمادی به خود و دیگران داشته باشد اما با بیان داستان‌ها و خاطرات خود، می‌تواند با دیگر زندانیان، با خانواده خود و با دنیای خارج ارتباط برقرار کند و احساس همبستگی و همدردی دیگران را برانگیزد.

در نمونه دیگر، سودابه اردوان، که در دهه ۶۰ شمسی به عنوان زندانی سیاسی در زندان به سر می‌برد، با استفاده از تارهای مو و چوب کبریت، به خلق آثار هنری پرداخت. او با این ابزارهای ساده و در دل شرایط سخت زندان، نه تنها توانست چهره‌های هم‌بندیان خود را، از جمله کسانی که به اعدام محکوم شدند، به تصویر بکشد بلکه این کار به او کمک کرد تا احساسات و درک خود از واقعیت‌های تلخ زندان را بیان کند و در برابر رنج‌ها

استقامت به خرج دهد.

نقاشی‌های سودابه اردوان بیش از این که صرفاً روشی برای ابراز خلاقیت باشند، به ابزاری موثر برای ثبت و انتقال پیام‌هایی در مورد شرایط زندانیان و نقض حقوق بشر تبدیل شدند. این آثار، که بعداً به خارج از زندان رسیدند و در قالب مجموعه‌ای منتشر شدند، نه تنها به عنوان شهادتی بر تجربیات او در دوران اسارت محسوب می‌شوند بلکه به عنوان نمادی از مقاومت و تلاش برای حفظ حقیقت در شرایط سرکوبگرانه مورد تقدیر قرار گرفته‌اند.

زندانی می‌تواند هدف مشترکی با بخشی از جامعه باشد و شور و امید در دل‌ها به وجود آورد. در نهایت، می‌توان گفت که داستان‌سرایی به عنوان یکی از شکل‌های ارتباط و تعامل، به زندانیان امید و انگیزه می‌دهد و آن‌ها را به مبارزه برای حقوق و آزادی شخصی و جمعی تشویق می‌کند.

امیدواریم با استفاده از روش‌های قصه‌گویی که در این مجموعه می‌آید، زندانیانی که به علت ایمان به ارزش‌های انسانی تجربه زندان دارند بتوانند به‌خوبی از این ابزار استفاده کنند و باعث تغییرات دامنهدار و ماندگار شوند.

عناصر داستانی (Elements of Storytelling)

چندین عنصر مهم برای ساخت داستان و تاثیرگذاری بر شنوندگان وجود دارد. این عناصر شامل رویدادها (Plot)، شخصیت‌ها (Characters)، محیط (The Setting)، مشکلات (Conflict) و خاتمه (Resolution) است.

۱- رویدادها یا حوادث (Plot)

پلات یا داستان، به عنوان عنصر اصلی داستان‌گویی، شامل یک سری رویدادها، مشکلات و تغییرات در شخصیت‌ها است که باید برای مخاطب گیرا و مهیج باشد. استفاده از پلات در داستان‌سرایی به شما کمک می‌کند تا داستان خود را قابل تصور کنید و با مخاطب خود ارتباط برقرار کنید. مثلاً داستان‌های افسانه‌ای بیش‌تر به بررسی تضادها و مشکلاتی که شخصیت اصلی باید بر آن‌ها را غلبه کند، می‌پردازد. این تضادها معمولاً به شکل موانعی همچون یک دشمن شرور، نفرین، یا وظیفه‌ای سخت بروز می‌کند.

شخصیت اصلی اغلب با کمک شخصیت‌های انسانی یا جادویی مثل پری‌ها، حیواناتی با قدرت بیان یا چیزهای واقعی یا جادویی دیگر به پیروزی می‌رسد. طی این مسیر، شخصیت اصلی درس‌های مهمی مانند اهمیت مهربانی، پایداری و شجاعت یاد می‌گیرد. داستان‌های افسانه‌ای در نهایت با پایانی خوشایند به پایان می‌رسند و شخصیت اصلی موفق به غلبه بر مشکلات و به‌دست‌آوردن آرزوها و رسیدن به شادی و خوشی می‌شود. افسانه‌های ایرانی همچون داستان‌های شاهنامه یا فولکلور یا داستان‌های خیالی یا Fairy-tale در دنیا مانند داستان سیندرلا، زیبای خفته و غیره از این دسته هستند.

۲- شخصیت‌ها (Characters)

شخصیت‌ها در داستان‌ها نقشی بسیار مهم دارند. این شخصیت‌ها باید گیرا و قابل تصور باشند تا مخاطب بتواند حس همدردی و همدلی با آن‌ها داشته باشد؛ شخصیت‌هایی همچون فرهاد، سیاوش و آرش در داستان‌های ایرانی.

۳- محیط یا فضا یا زمان و مکان (The Setting)

محیط یا فضای داستان در ایجاد تصویر ذهنی برای مخاطب نقش بسیار مهمی دارد و به شما کمک می‌کند تا داستان خود را به شکل واقعی‌تر و جذاب‌تر بیان کنید. برای مثال، اگر داستان شما در یک زندان اتفاق می‌افتد، شما می‌توانید توصیفی از اتاق‌های زندان، تخت خواب، حمام، دستشویی و محیط‌های دیگر زندان به مخاطب بدهید. یا مثلاً اگر داستان شما در شهر تبریز اتفاق می‌افتد شما می‌توانید توصیفی از خیابان‌ها، ساختمان‌ها و فضای عمومی شهر ارائه دهید.

زمان نیز به شما کمک می‌کند تا داستان خود را دقیق‌تر کنید. مثلاً اگر داستان شما در دوران جنگ ایران و عراق رخ می‌دهد شما می‌توانید توصیفی از ابزارهای نظامی، لباس‌ها و محیط آن زمان را عم ارائه دهید.

با استفاده از اطلاعات محیطی، شما می‌توانید داستان خود را واقعی‌تر به تصویر بکشید. این عناصر به شما کمک می‌کند تا با مخاطب خود ارتباط برقرار کنید و آن‌ها را در دنیای داستان‌تان جا دهید. بنابراین، اگر یک داستان گیرا و قابل تصور می‌خواهید بنویسید حتماً باید به عناصر محیطی داستان خودتان توجه کنید و آن‌ها به شکلی واقعی به نمایش بگذارید.

۴- کشمکش (Conflict)

تعارض یا «کشمکش» به عنوان یکی از عناصر داستان‌سرایی، به شما کمک می‌کند تا داستان خود را جذاب‌تر و مفهومی‌تر بیان کنید. کشمکش، به معنی وجودداشتن یک مشکل یا تضاد در داستان است که شخصیت‌ها و داستان را به جلو می‌برد.

تضاد یا کشمکش می‌تواند بین ۵ مورد از عناصر داستان صورت بگیرد:

۱. **فرد با خود:** این نوع از تضاد زمانی رخ می‌دهد که شخصیت اصلی با افکار، احساسات و باورهای خود دست و پنجه نرم می‌کند. این می‌تواند شامل یک معضل اخلاقی، بحران هویتی یا هر تضاد داخلی دیگری باشد.

۲. **فرد با فرد:** این زمانی رخ می‌دهد که شخصیت اصلی با شخص دیگری به رقابت، دشمنی یا ناسازگاری‌های دیگر، تضاد دارد.

۳. **فرد با طبیعت:** در این نوع تضاد، شخصیت اصلی با نیروهای طبیعی همچون طوفان، زلزله یا حیوانات روبرو می‌شود.

۴. **فرد با جامعه:** این نوع از تضاد شامل تلاش شخصیت‌ها برای مقابله با یک گروه یا نهاد بزرگ‌تر مانند دولت، فرهنگ یا قانون اجتماعی است.

۵. **فرد با تکنولوژی:** در این نوع تضاد، شخصیت اصلی با یک ماشین یا تکنولوژی برخورد می‌کند، مانند یک ربات خراب یا یک کامپیوتر هوشمند.

این تضادها ممکن است با یکدیگر هم‌پوشانی داشته باشند یا به طور همزمان رخ دهند و در طول داستان به روش‌های مختلفی حل شوند. همچنین، کشمکش‌ها می‌توانند به عنوان ابزاری برای نشان دادن تغییرات شخصیت‌ها نیز استفاده شوند. در این حالت، کشمکش‌ها به شخصیت‌ها کمک می‌کنند تا در طول داستان، تغییر کنند، به‌طور مثال بهتر یا بدتر شوند. با استفاده از تعارضات، شخصیت‌های داستان را به چالش می‌کشانید و باعث پویایی داستان می‌شوید.

درس پنجم: بسط و گسترش رویدادهای داستان

بسط و گسترش رویدادهای داستان (Plot Development)، به عنوان یکی از عناصر داستان‌گویی، به شما کمک می‌کند تا داستان خود را با پیچیدگی بیش‌تری بیان کنید و مخاطب را به داستان جذب کنید. یک داستان خوب باید شامل تلفیقات غیرمنتظره‌ای باشد که مخاطب را مجذوب و مشتاق نگه دارد.

تکنیک‌های مختلفی وجود دارند که می‌توانند به گسترش یک داستان قوی کمک کنند، از جمله استفاده فضای تعلیق یا (Suspense) و سرعت روند بیان وقایع یا (Pacing).

پیش‌آگاهی

پیش‌آگاهی به معنای اشاره به رویدادهای آینده در داستان است و باعث ساختاردهی تحریک‌کننده و هیجان‌انگیز برای مخاطب می‌شود. تکنیکی در داستان‌سرایی که نویسنده از آن برای ایجاد سرنخ‌هایی در داستان استفاده می‌کند. با استفاده از این سرنخ‌ها، خواننده می‌تواند رویدادهای آتی داستان را پیش‌بینی کند و با توجه به آن‌ها، از جزئیات بیش‌تری در داستان مطلع شود. این نکات می‌توانند به شکل ظریفی در داستان قرار گیرند و مخاطب را به سمت حدس‌زدن و پیش‌بینی رویدادهای بعدی داستان سوق دهند.

به طور کلی، پیش‌آگاهی به نویسنده اجازه می‌دهد که داستان خود را با پیچیدگی بیش‌تری بیان کند و خواننده را درگیر داستان کند. فضای تعلیق به عنوان یکی از عناصر

اساسی داستان‌گویی، مخاطب با یک مسئله یا موقعیت ناشناخته مواجه می‌شود و این موضوع به شکلی پیچیده و گیرا در طول داستان پیش می‌رود.

فضای تعلیق

در فضای تعلیق مخاطب به دنبال پاسخ‌هایی است که آسان و مشخص نیستند. مخاطب به دنبال راه‌حلی برای مسئله یا مشکلات طرح شده است و به دنبال پاسخی می‌گردد که هنوز عیان نیست.

در این‌جا داستان‌سرا با استفاده از فضای تعلیق به خواننده اجازه می‌دهد که با داستان همراه شود و در پیش‌بینی راه‌حل‌های مختلف داستان به شکلی هیجان‌انگیز شرکت کند. این عنصر داستانی به شما کمک می‌کند تا داستان خود را با پیچیدگی بیش‌تری بیان کنید و مخاطب را درگیر داستان کنید.

سرعت روند بیان وقایع

سرعت روند بیان وقایع به عنوان یکی از عناصر اصلی روایت‌گری، به شما کمک می‌کند تا داستان خود را با توجه به نیاز و سلیقه مخاطب، به بهترین شکل ممکن بیان کنید. در اینجا، نویسنده با تنظیم سرعت داستان، خواننده را درگیر داستان می‌کند و به شکلی پویا داستان را پیش می‌برد.

در سرعت‌دهی داستان، داستان‌سرا باید توجه داشته باشد که روایت را با سرعت مناسبی بیان کند. اگر داستان بیش از حد کند و آرام بیان شود، خواننده ممکن است از داستان خسته شود و علاقه‌اش را به ادامه داستان از دست دهد. همچنین، اگر داستان بیش از حد تند و پرشتاب بیان شود، خواننده ممکن است از جزئیات و توصیف‌های مهم داستان غافل شود. بنابراین، داستان‌سرا باید با توجه به نیاز و سلیقه خواننده، داستان خود را با سرعت مناسبی بیان کند. برای این کار، می‌توانید از تکنیک‌هایی مانند «توقف در نقاط مهم داستان» و «تغییر سرعت بیان داستان در مقاطع مختلف داستان» استفاده کنید.

زاویه دید (Point of View)

زاویه دید به عنوان یکی دیگر از عناصر اساسی داستان‌گویی، به شما کمک می‌کند تا روایت

خود را از دیدگاه یک شخصیت خاص یا با استفاده از یک زاویه دید خاص بیان کنید. زاویه دید، یعنی زاویه دیدی که داستان‌گو برای روایت داستان در نظر می‌گیرد. این زاویه دید می‌تواند از طریق یکی از شخصیت‌های داستان، یا از طریق یک شخص سوم خارجی یا خود داستان‌گو در گردش باشد. داستان‌سرا می‌تواند از دیدگاه یکی از شخصیت‌های داستان، روایت را بیان کند یا می‌تواند از زاویه دید خود داستان را پیش ببرد. به طور کلی، زاویه دید به شما اجازه می‌دهد تا با توجه به نیاز و سلیقه خود، داستان را از دیدگاه مورد نظرتان بیان کند.

تم، درون‌مایه یا مضمون (Theme)

تم یا مضمون داستان، مفهوم کلی و اصلی است که در پس‌زمینه داستان وجود دارد. تم در واقع می‌تواند به شیوه‌ای عمیق و بارز به مخاطب پیامی منتقل کند و دربرگیرنده مضمون‌هایی از قبیل عشق، دوستی، همدردی، خیانت، ماجراجویی، مرگ و زندگی و مضمون‌هایی از این دست است.

هدف از تم در داستان‌ها، ایجاد ارتباط بین خواننده و داستان است. زمانی که خواننده تم یک داستان را می‌فهمد، بهتر می‌تواند ارتباطی عمیق‌تر با شخصیت‌ها و رویدادهای داستان برقرار کند.

در واقع، تم می‌تواند اثر روحی قوی روی خواننده داشته باشد و او را به تفکر و تأمل در مورد مسائل مختلف وجودی و جوامع اطرافش تشویق کند. مثلاً، تم داستان «جنگ و صلح» لئو تولستوی، می‌تواند عشق و دوستی، جنگ و صلح و نظام سیاسی و اجتماعی را شامل شود. یا تم داستان «جوجه اردک زشت»، اثر هانس کریستین آندرسن، می‌تواند بزرگ‌شدن، انتخاب مسیر زندگی، تغییر وضعیت اجتماعی و خودشناسی باشد. بنابراین تم در داستان‌ها می‌تواند به عنوان پایه و مبنایی برای توسعه شخصیت‌ها، ارتباطات بین شخصیت‌ها و تحولات رویدادهای داستانی باشد.

«خاطرات زندان»، نوشته شهرنوش پارسی‌پور، نمونه‌ای بارز از کاربرد تم یا مضمون در ادبیات است. در این اثر، پارسی‌پور تجربیات خود را به عنوان یک زندانی سیاسی به تصویر می‌کشد و با استفاده از تم‌هایی چون ظلم و ستم، مقاومت، امید و از دست‌دادن، به بیان داستان خود می‌پردازد. تم اصلی این کتاب، نه تنها بر تجربه زندانی‌بودن و مبارزه

برای بقا در شرایط سخت تمرکز دارد، بلکه به موضوعات عمیق‌تری همچون حقوق بشر، آزادی فردی و قدرت روح انسان در مقابله با سرکوب می‌پردازد. این اثر، خواننده را به تفکر در مورد مسائل اجتماعی و سیاسی دعوت می‌کند و با احساسات و تجارب عمیق شخصیت‌های داستان مرتبط می‌سازد.

«خاطرات زندان»، به عنوان یک اثر ادبی، نشان می‌دهد که چگونه یک داستان می‌تواند تاثیر عمیقی بر خواننده داشته باشد و خواننده را به تامل و درک بهتر از جهان پیرامون خود سوق دهد. در این اثر، تم‌های به‌کارگرفته‌شده به خواننده کمک می‌کند تا درک عمیق‌تری از شرایط زندانیان سیاسی و مبارزه آن‌ها برای حقوق انسانی و آزادی به دست آورد.

درس ششم: روش‌های داستان‌گویی

در داستان‌گویی، تکنیک‌ها و روش‌های مختلفی برای جذب مخاطب و بیان بهتر داستان وجود دارند. برخی از این تکنیک‌ها را در ادامه با هم بررسی می‌کنیم.

۱- برقراری ارتباط (Establish a Connection)

برقراری ارتباط، به معنی ایجاد ارتباط عاطفی بین مخاطب و داستان و یکی از مهارت‌های اساسی در نوشتن داستان است که می‌تواند باعث شود مخاطب به داستان علاقه‌مند شود و برای خواندن آن تمایل داشته باشد. برای برقراری ارتباط با خواننده، نویسنده باید با زبانی مناسب و روان مخاطب را در طول داستان هدایت کند.

داستان باید به صورت مرتب و همگن روایت شود و مفهوم آن برای خواننده قابل فهم باشد. همچنین، باید از تصاویر و توصیف‌های واضح و گیرا استفاده کنید تا خواننده را به داستان خود جذب کنید. با استفاده از تکنیک برقراری ارتباط، می‌توانید خواننده را به داستان خود جذب کنید و به او حس همدلی دهید.

۲- ساختار داستانی (Story Arc)

ساختار داستانی به روشی اشاره دارد که نویسنده برای ساخت داستان از آن استفاده می‌کند. به عبارت دیگر ساختار داستانی شامل مراحل و بخش‌های مختلفی است که

داستان بر اساس آن ساخته می‌شود.

بخش‌هایی مانند معرفی شخصیت‌ها و محیط، افزایش تنش و کشمکش، اوج داستان و حل مشکلات داستان است. با استفاده از ساختار داستانی، نویسنده می‌تواند داستان را به صورت منظم و منطقی به مخاطب ارائه دهد و پیام مطلوب خود را بهتر منتقل کند. برای ایجاد ساختار داستانی، باید ابتدا شخصیت‌ها و محیط داستان را معرفی کنید. سپس باید مشکلات و چالش‌هایی که شخصیت‌های داستان با آن‌ها روبرو می‌شوند را معرفی کنید. در این مرحله شخصیت‌ها با مشکلاتی مواجه می‌شوند که می‌تواند مخاطب را به داستان خود جذب کند. در مرحله بعد، باید کشمکش‌ها و مسائلی را معرفی کنید که شخصیت‌ها برای حل مشکلات خود با آن‌ها مواجه می‌شوند. سپس باید شخصیت‌ها برای حل مشکلات خود تلاش کنند تا موفق شوند. در نهایت، باید به‌روشنی نشان دهید که مشکلات شخصیت‌ها به چه شکلی حل شده است و داستان به پایان رسیده است. به طور کلی، ایجاد ساختار داستانی به نویسنده کمک می‌کند تا داستان خود را با بهترین شکل ممکن بیان کند و مخاطب را به داستان خود جذب کند. برای ایجاد این ساختار، باید به‌دقت برنامه‌ریزی کنید. و تلاش کنید تا داستان خود را به صورت مرتب و سازمان‌یافته بیان کنید تا مخاطب بتواند به‌راحتی داستان شما را دنبال کند.

۳- استفاده از گفت‌وگو (Use Dialogue)

در داستان‌نویسی، استفاده از دیالوگ یا گفت‌وگو برای شخصیت‌ها بسیار مهم است. دیالوگ می‌تواند برای توصیف شخصیت‌ها، تشریح حالات و فضاها و به‌تصویر کشیدن رویدادها و اتفاقات مختلف در داستان به کار رود.

در واقع، دیالوگ یکی از ابزارهای اصلی در داستان‌نویسی است که به نویسنده کمک می‌کند شخصیت‌ها را بهتر به خواننده معرفی کند و آن‌ها را در جریان داستان معرفی کند. همچنین، گفت‌وگو می‌تواند برای ایجاد تنش، نزاع و تعارض در داستان به کار رود و خواننده را در جریان داستان نگه دارد.

استفاده از دیالوگ باید با دقت انجام شود. باید به یاد داشته باشیم که گفت‌وگوها باید طبیعی و واقعی به نظر بیایند و با شخصیت‌ها و شرایط داستان سازگار باشد. همچنین، باید دیالوگ‌ها را به طور معتدل و در حد نیاز به کار برد تا داستان برای مخاطب گیرا باشد و او

را در جریان داستان نگه دارد.

۴- توصیف‌های تصویری (Incorporate Visuals)

یکی از بهترین روش‌ها، استفاده از توصیف‌های تصویری است یا استفاده از تصاویر داستانی است. با استفاده از تصاویر گویای داستان، نویسنده به مخاطب کمک می‌کند که بهتر درک کند که چه اتفاقی در داستان رخ می‌دهد.

تصاویر داستانی می‌تواند برای توصیف محیط داستان، تشریح رفتار و احساسات شخصیت‌ها، یا تصویر کردن رویدادها و اتفاقات مختلف در داستان به کار رود و در داستان‌گویی بسیار موثر باشد.

۵- معنادهی (Make It Meaningful)

برای یک داستان گیرا و مفهومی، لازم است به داستان خود معنا دهید: این معنا بیان پیام و ایده‌ای خاص است که می‌خواهید به مخاطب خود منتقل کنید. باید توجه داشت که داستان شما باید هماهنگ با موضوع و پیامی که می‌خواهید منتقل کنید باشد.

برای اهمیت‌بخشیدن به داستان باید از زبان و ابزارهای قابل دسترس استفاده کنید که بتواند با احساسات و افکار مخاطب ارتباط برقرار کند. یکی از بهترین روش‌های مرسوم، استفاده از نمادها و تصاویر است. با استفاده از این تکنیک، می‌توانید داستان خود را به صورت شفاف و روان بیان کنید و خواننده را جذب داستان خود کنید.

به‌اشتراک‌گذاری داستان (Sharing Your Story)

به‌اشتراک‌گذاری داستان، یک ابزار قدرتمند برای ارتباط با دیگران و انتقال پیام است. به‌اشتراک‌گذاری داستان شخصی، به معنای بیان تجربیات و حکایت‌های شخصی شما است. باید توجه داشت که بیان داستان شخصی نیازمند شجاعت خاصی است. با به‌اشتراک‌گذاری داستان شخصی خود، می‌توانید اثر مثبتی بر دیگران بگذارید و به آن‌ها امید و انگیزه بدهید. البته توجه داشته باشید که گاهی نیز ممکن است آماج نقدهای درست یا نادرست واقع شوید.

در ادامه سه روش بیان کلامی، نوشتاری و دیداری (یعنی ویدیو یا فیلم) که از جمله

راه‌هایی برای به‌اشتراک‌گذاری داستان هستند، را بررسی می‌کنیم.

۱- بیان کلامی

در بیان کلامی شما می‌توانید داستان خود را به صورت زنده بیان کنید. بیان کلامی شاید باستانی‌ترین شکل روایت‌گری باشد. به این ترتیب با استفاده از افت‌وخیزهای زبانی می‌توانید با مخاطب ارتباط مستقیم بگیرید و احساس صمیمیت بیشتری را برای خود و آنان ایجاد کنید.

البته گذشته از اجرای حضوری یا زنده اینترنتی، روایت‌گر می‌تواند داستان خود را به شکل دیجیتال ضبط کند و آن را از طریق اینترنت به شکل پادکست در اختیار عموم قرار دهد.

۲- بیان نوشتاری

بیان نوشتاری به نویسنده اجازه می‌دهد تا حکایت خود را با جزئیات، ساختار و ادبیات متناسب بنویسد. در این‌جا روایت‌گر فرصت و زمان بیشتری برای داستان‌گویی دارد و برخلاف روش‌های دیگر نویسنده می‌تواند چندان درگیر محدوده زمانی اندک نباشد.

۳- بیان دیداری

روایت‌گری از طریق ویدیو و فیلم نیز یکی از راه‌های متداول امروزی برای به‌اشتراک‌گذاری است. در بیان تصویری-صدایی، روایت‌گر می‌تواند از همه تکنیک‌های سینمایی برای روایت خود به شکل واقعی، تاثیرگذار و بیادماندن استفاده کند.

در نهایت با تسلط به تکنیک‌های داستان‌گویی و انتخاب رسانه مناسب برای به‌اشتراک‌گذاری، می‌توانید به مخاطب خود چشم‌اندازی جدید و متفاوت از دنیای خود نشان دهید و الهام‌بخش تغییر باشید. به همین دلیل، استفاده از روش‌های مختلف داستان‌سرایی برای به‌اشتراک‌گذاری بسیار مهم است.

درس هفتم: آماده‌سازی روایت و به‌اشتراک‌گذاری داستان

ساختار داستان

برای اطمینان از این‌که پیام خود را در ساختاری مناسب و با زبانی متناسب به بهترین و موثرین شکل ممکن ارائه می‌دهید، ضروری است خود را آماده کنید. این آمادگی شامل سازماندهی، بسط ساختار داستان و البته تمرین است.

پیش از ساخت یک داستان، نخست باید تصمیم بگیرید کدام داستان از میان خاطرات و اتفاقات و ایده‌های خود را می‌خواهید بگویید. پس از انتخاب داستان، بهتر است یک خط زمانی ساده برای داستان خود تهیه کنید. در این خط زمانی، می‌توانید به ترتیب، رخدادها و رویدادهای مختلف داستان خود را به صورت خلاصه بچینید یا ثبت کنید. این خط زمانی می‌تواند به شما کمک کند تا بتوانید به بهترین شکل ممکن داستان خود را ساختاردهی کنید و از هدف اصلی داستان پیروی کنید.

در داستان‌گویی، ساختار داستان از اهمیت بسیاری برخوردار است. برای ساختاردهی به داستان، می‌توانید از یک قالب پایه استفاده کنید که شامل حداقل ۴ بخش اصلی است: «مقدمه»، «کنش صعودی یا گره‌افکنی»، «لوج یا (climax)» و در نهایت «کنش نزولی یا گره‌گشایی». در ادامه هر کدام از این بخش‌ها را مرور می‌کنیم.

۱- مقدمه

مقدمه یا مقدمه‌چینی در داستان به معنای فراهم کردن یک شروع متناسب با داستان است که بتواند مخاطب را جذب کرده و موضوع داستان را به او معرفی کند. این مقدمه باید با چارچوب داستان همخوانی داشته باشد و به طور کلی به خواننده اجازه دهد تا با محتوای داستان آشنا شود و به آن پیوند بخورد.

چندین روش برای مقدمه‌چینی در داستان‌نویسی وجود دارد، از جمله شروع با صحنه‌ای جاذب، شخصیت‌ها و نگارش توصیف دقیق و گیرا از تنظیمات و محیط داستان

۲- کنش صعودی یا گره‌افکنی

پس از معرفی شخصیت‌ها و زمینه داستان، ماجراها و کشمکش‌هایی که در طول داستان رخ می‌دهد، به تدریج بیش‌تر و بیش‌تر شدت می‌گیرد. در این بخش از داستان، شخصیت‌های داستان با موانع و چالش‌هایی روبرو می‌شوند که آن‌ها را به اوج داستان و سپس مرحله گره‌گشایی هدایت می‌کنند.

۳- اوج (Climax)

اوج در داستان‌نویسی به مرحله‌ای اشاره دارد که در آن بیش‌ترین نقطه تنش، هیجان و تعاملات بین شخصیت‌ها رخ می‌دهد. در واقع این مرحله به نوعی نقطه عطف داستان است و بعد از آن داستان به مرحله گره‌گشایی وارد می‌شویم. در بیش‌تر موارد، اوج با شیوع نزاع و تنش‌های اصلی داستان همراه است و می‌تواند برای خواننده تحولاتی ناگهانی و گیرا به همراه داشته باشد.

۴- گره‌گشایی یا کنش نزولی (Resolution)

گره‌گشایی یا Resolution، به عنوان عنصر پایانی داستان، به شما کمک می‌کند تا داستان خود را به یک پایان مناسب و قابل قبول برسانید. گره‌گشایی به حوادثی گفته می‌شود که پس از رسیدن به اوج داستان اتفاق می‌افتد و مشکلات پیشین را حل می‌کند و سرنوشت قهرمان یا شخصیت‌ها را مشخص می‌کند.

این مرحله داستانی، بخشی است که دغدغه‌ها و کشمکش‌های داستان به نتیجه‌ای

می‌رسند. جایی که تمامی بخش‌های داستان به یکدیگر مرتبط می‌شوند. در یک کلام گره‌گشایی، به معنی پایان داستان است. یک پایان خوب، اثرگذاری ماندگار بر مخاطب دارد و او را وادار به اندیشیدن و تأمل بیش‌تری می‌کند. مخاطب باید احساس کند که زمانی که برای دنبال کردن داستان سرمایه‌گذاری کرده ارزشمند بوده است.

پیامدهای اخلاقی به اشتراک‌گذاری داستان و خطرات بالقوه آن

بازگویی حکایت‌های شخصی می‌تواند ابزاری قدرتمند برای ارتباط برقرار کردن با دیگران باشد اما در عین حال می‌تواند پیامدهای اخلاقی و خطرانی در پی داشته باشد. زمانی که فردی داستان شخصی خود را به اشتراک می‌گذارد، باید به تأثیرات احتمالی آن روی خود و مخاطبانش توجه کند.

یکی از مسئولیت‌های اخلاقی - و در مواردی قانونی - در بازگویی یک داستان، اطمینان حاصل کردن از عدم به‌اشتراک‌اطلاعات حساس یا محرمانه است که ممکن است به شما یا افراد حقیقی در داستان‌تان آسیب برساند. پس در انتخاب آنچه می‌خواهید بگویید، هوشیار باشید و توجه کنید که هرگز اطلاعات حساس و محرمانه از خود یا دیگران را به اشتباه به اشتراک نگذارید.

همچنین داستان‌هایی که به عنوان نمونه از تجربیات یا دیدگاه‌های خاص مطرح می‌شوند، ممکن است باعث ناراحتی یا خشم برخی افراد یا گروه‌هایی شوند. در بعضی موارد، این ناراحتی ممکن است تأثیر شدید روانی با عواقب منفی برای راوی یا شخصیت‌های واقعی داستان داشته باشد. همچنین، همانطور که اشاره شد، اهمیت احترام به حریم شخصی شخصیت‌های واقعی در بازگویی داستان بسیار مهم است. بنابراین روایت‌گر باید از موضوعات و اتفاقاتی که ممکن است مربوط به دیگران باشد، اجتناب کند، مگر آنکه به شکلی موجه اجازه بازگویی آن‌ها را داشته باشد یا تغییرات لازم در داستان برای پنهان‌نگه‌داشتن هویت افراد انجام دهد.

قصه‌گویی موثر نیازمند درک عمیق از مخاطب و پیامی‌ست که قرار است منتقل شود. همچنین باید تلاش کرد از گفتارهای تبعیض‌آمیز و آسیب‌رسان و انتشار اطلاعات نادرست خودداری کرد.

در نهایت پیش از بازگویی داستان خود، بهتر است به پتانسیل تأثیرات آن بر روی

خود و دیگران توجه کنید و از نکاتی مانند احترام به حریم شخصی، جلوگیری از اشتراک اطلاعات حساس، و تلاش برای بازگویی داستان‌هایی با پیام‌های اجتماعی مثبت برای جامعه پیروی کنید.

به اشتراک‌گذاری داستان

در ادامه به بررسی اهمیت و تاثیرات به اشتراک‌گذاری داستان‌های شخصی توسط زندانیان سیاسی خواهیم پرداخت.

نقش به اشتراک‌گذاری داستان‌ها در ایجاد امید و الهام در دیگران

به اشتراک‌گذاری داستان‌های شخصی توسط زندانیان سیاسی، عملی فراتر از یک روایت ساده است. این روایت‌ها، گاهی اوقات تنها راه ارتباطی آن‌ها با جهان خارج و نحوه‌ای برای بیان وجود و تجربیاتشان است.

داستان‌های شخصی می‌توانند به عنوان ابزاری برای آگاهی‌رسانی، ایجاد همدلی و فراهم آوردن زمینه‌ای برای حمایت اجتماعی و سیاسی عمل کنند. به اشتراک‌گذاری این داستان‌ها می‌تواند در فرهنگ‌سازی، تغییر نگرش‌ها و حتی اصلاح قوانین تاثیرگذار باشد. به اشتراک‌گذاری داستان‌های زندانیان سیاسی نه تنها برای خود مولف بلکه برای جامعه نیز ارزشمند است. داستان‌های شخصی که از قلب و روح روایت می‌شوند، می‌توانند منبع امید و الهام برای دیگران باشند؛ به‌ویژه برای کسانی که با شرایط مشابه دست و پنجه نرم می‌کنند. این داستان‌ها نشان‌دهنده استقامت و پایداری انسان در برابر سختی‌ها هستند و می‌توانند به عنوان نمونه‌هایی برای مقاومت و امیدواری در نظر گرفته شوند.

به اشتراک‌گذاری تجارب می‌تواند به ایجاد انگیزه و اراده برای ادامه مبارزه و پیگیری اهداف بزرگ‌تر کمک کند. در ادامه روش‌ها و تاثیرات به اشتراک‌گذاری داستان‌های زندانیان سیاسی را بررسی می‌کنیم و به این می‌پردازیم که چگونه می‌توان داستان زندان را به اشتراک گذاشت.

۶ روش به اشتراک‌گذاری داستان‌های زندان

۱. نوشتاری: از طریق نگارش خاطرات، مقالات، یادداشت‌های روزانه، وبلاگ‌نویسی و

نامه‌هایی که از زندانیان به دست خانواده‌ها یا فعالان حقوق بشر می‌رسد.

۲. **شبکه‌های اجتماعی:** استفاده از پلتفرم‌های شبکه اجتماعی برای انتشار داستان‌ها و ایجاد کمپین‌های آگاهی‌رسانی و حمایتی.

۳. **تولید مستند:** ساخت مستندهایی که داستان زندانیان سیاسی را روایت می‌کنند و از طریق پلتفرم‌های دیجیتال یا فستیوال‌های فیلم به اشتراک گذاشته می‌شوند.

۴. **هنری:** نقاشی، شعر، داستان‌های کوتاه و نمایش‌نامه‌هایی که حاصل تجربیات زندان هستند.

۵. **استفاده از مناسبت‌ها:** برگزاری سمینار و کنفرانس که به بحث و گفتگو درباره داستان‌های زندان و تجربیات زندانیان می‌پردازند.

۶. **برگزاری نمایشگاه هنری:** برپایی نمایشگاه‌هایی از آثار هنری که توسط زندانیان سیاسی خلق شده و داستان زندگی و تجارب آن‌ها را به تصویر می‌کشند.

تأثیرات به اشتراک‌گذاری داستان‌های زندان

۱. **آگاهی‌رسانی:** بالا بردن سطح آگاهی عمومی درباره شرایط زندان‌ها و وضعیت زندانیان سیاسی.

۲. **همبستگی:** ایجاد احساس همبستگی میان جامعه و زندانیان و تقویت پشتیبانی اجتماعی از آن‌ها.

۳. **تأثیر سیاسی:** فشار آوردن به مقامات برای بهبود شرایط زندانیان یا آزادی آن‌ها.

۴. **تسکین روحی:** کمک به تسکین روحیه زندانیان از طریق بیان و به اشتراک گذاشتن دردها و تجربیات خود.

۳ نقش به اشتراک‌گذاری داستان‌ها در ایجاد امید و الهام در دیگران

داستان‌های زندان می‌توانند منبعی قدرتمند برای الهام و ایجاد امید باشند. به طور کلی چنین نقش‌هایی را می‌توان برای این دست داستان‌ها و روایت‌ها در نظر گرفت.

۱. **الهام‌بخشیدن به مبارزه:** شنیدن یا خواندن درباره مقاومت و استقامت زندانیان می‌تواند به دیگران الهام بخشد تا در برابر نقض حقوق خود و دیگران مقاومت کنند.

۲. **ایجاد تغییر:** به اشتراک‌گذاری داستان‌های موفقیت‌آمیز می‌تواند به عنوان الگویی

برای تغییر شخصی و اجتماعی عمل کند.

۳. پشتیبانی روانی: داستان‌هایی که نشان‌دهنده پایداری فردی هستند، می‌توانند به افراد دیگری که در شرایط سخت قرار دارند کمک کنند تا امید خود را حفظ کنند

از طریق این قالب‌ها و روش‌ها، داستان‌های زندانیان سیاسی، نه تنها به عنوان ابزاری برای بیان واقعیت‌های تلخ زندگی زندان و تأثیرات آن بر زندانی و خانواده‌هایشان عمل می‌کنند، بلکه می‌توانند به مشعل‌هایی از امید در میان تاریکی‌های ناامیدی تبدیل شوند و انگیزه‌ای برای مقابله و مقاومت در برابر ستم و بی‌عدالتی ایجاد کنند.

به‌اشتراک‌گذاری این داستان‌ها، به‌ویژه در جوامعی همچون جامعه ایران که با محدودیت‌های آزادی بیان روبرو هستند، می‌تواند به شکل‌گیری پیوندهای مستحکم انسانی و تقویت روحیه مشترک برای تحولات اجتماعی و سیاسی کمک کند.

درس هشتم: مثال‌های موفق کمپین‌های داستان‌گویی

Speak Up -۱

مجموعه «Speak Up» توسط اتحادیه آزادی‌های مدنی آمریکا (ACLU): مجموعه‌ای است از ویدیوهایی که با داستان‌گویی به برجسته کردن اهمیت «آزادی بیان» در زمینه‌های مختلف استفاده می‌کند. مثلاً یکی از ویدیوها داستان دانش‌آموز دبیرستانی را روایت می‌کند که به دلیل امتناع از خواندن سرود ملی آمریکا در اعتراض به بی‌عدالتی نژادی مجازات شده است.

۶ تکنیک داستان‌سرایی متنوع برای بیان اهمیت آزادی بیان در مجموعه Speak Up

۱. **روایت‌های شخصی:** این مجموعه، داستان‌هایی از افرادی را نشان می‌دهد که حق آزادی بیان آن‌ها مورد تهدید یا نقض قرار گرفته است که با داستان خود تاثیر شخصی و احساسی سانسور را برجسته می‌کنند. در این مجموعه، داستان‌ها اغلب به صورت اول‌شخص ارائه می‌شوند و به مخاطب ارتباط مستقیمی با تجربه داستان‌نویس می‌دهند.
۲. **زمینه‌سازی:** هر کدام از روایت‌ها در این مجموعه ذیل زمینه بزرگ‌تری ارائه می‌شوند که به توضیح این می‌پردازد که چرا «آزادی بیان» در آن مورد خاص، مهم است؟ برای مثال، ویدئویی درباره دانش‌آموزی که از خواندن سرود ملی آمریکا امتناع

می‌کند، دلایل تاریخی و قانونی حق «آزادی بیان» در مدارس را بررسی می‌کند.

۳. **داستان‌سرایی بصری:** ویدیوهای این مجموعه از تصاویر، انیمیشن و سایر عناصر بصری برای پشتیبانی و تقویت داستان‌سرایی خود استفاده می‌کنند. به عنوان مثال، ویدیوی مربوط به دانش‌آموز یادشده، از انیمیشن خلاق برای توضیح استدلال دانش‌آموز و نشان‌دادن عواقب اعمال او استفاده می‌کند.

۴. **جذابیت عاطفی:** ویدیو «هزینه سانسور: تهدید یک روزنامه‌دیواری دبیرستانی» در این مجموعه تاثیر شخصی سانسور را بر دانش‌آموزانی که به روزنامه‌نگاری علاقه‌مند هستند نشان می‌دهد. این ویدئو شامل مصاحبه‌هایی با دانش‌آموزانی است که ناامیدی خود را از مدیریت مدرسه بیان می‌کنند. با نشان‌دادن تاثیر عاطفی سانسور، این ویدیو سعی می‌کند حس همدلی بیننده را جلب کند.

۵. **تشبیهات:** در ویدیو «گفتار آزاد و رسانه‌های اجتماعی»، ACLU از تشبیه برای توضیح پیچیدگی‌های آزادی بیان در عصر دیجیتال استفاده می‌کند. مثلاً، این ویدئو پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی را با حق راهپیمایی در فضاهای عمومی مقایسه می‌کند و استدلال می‌کند که همانطور که مردم حق ابراز وجود در مکان‌های عمومی را دارند، باید در رسانه‌های اجتماعی نیز از همین حق برخوردار باشند. با استفاده از این تشبیه، ویدیو استدلال خود را برای مخاطب قابل فهم‌تر می‌کند.

۶. **گوشزد نسبت به عواقب:** در ویدیو «چرا آزادی بیان در دانشگاه مهم است؟»، ACLU از استفاده از گوشزد نسبت به عواقب سانسور برای آگاه‌سازی درباره اهمیت آزادی بیان در محوطه‌های دانشگاهی استفاده می‌کند. این ویدئو نشان می‌دهد که چگونه سانسور می‌تواند منجر به خودسانسوری شود، که در نهایت منجر به محدود شدن امکان تضارب آرا، خلاقیت و رشد علمی در فضای دانشگاه، محدود می‌شود. با نشان‌دادن پیامدهای منفی سانسور، ACLU سعی می‌کند یک روایت قانع‌کننده در مورد اهمیت آزادی بیان را مطرح کند.

۲- کتابخانه بدون سانسور

مثال خوب دیگر، کمپین «کتابخانه بدون سانسور» در بازی Minecraft است. در رویکردی نوآورانه برای تبلیغ ارزش آزادی بیان به جوانان و دورزدن سانسور، «گزارشگران

بدون مرز» یک کتابخانه دیجیتال در بازی ویدیویی محبوب ماین‌کرفت ایجاد کردند. این کتابخانه حاوی اطلاعات و مقالاتی است که در کشورهای مبدا سانسور شده‌اند. این ابتکار از ابزار داستان‌گویی در یک بازی کامپیوتری برای ترویج آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات استفاده می‌کند.

۴ تکنیک استفاده‌شده در مجموعه کتابخانه بدون سانسور

۱. **داستان‌گویی تصویری:** بازی Minecraft یک بستر بصری جذاب است که بیننده را به داخل داستان می‌کشانند. سازندگان «کتابخانه بدون سانسور» از ماین‌کرفت برای ایجاد یک کتابخانه مجازی با قفسه‌ها، میزها و سایر عناصر آشنا استفاده می‌کنند که فضای داستان‌گویی را مهیج و جذاب می‌کند.

۲. **داستان‌سرای تعاملی:** Minecraft امکان سطح بالایی از تعامل با محتوای خود را برای مخاطب فراهم می‌کند و سازندگان کتابخانه بدون سانسور از این فرصت استفاده می‌کنند که به کاربران اجازه دهند حین بازی، با فضای کتابخانه آشنا شوند. بازیکنان می‌توانند روی هر کتابی در این کتابخانه کلیک کنند و مقالاتی را بخوانند که در کشورهای مختلف سانسور شده‌اند، از جمله مقالاتی که به دولت‌های متبوع‌شان انتقاد می‌کنند.

۳. **روایات شخصی:** مقالات کتابخانه بدون سانسور توسط روزنامه‌نگارانی نوشته شده است که سانسور یا تهدید به سانسور شده‌اند. این مقاله‌ها شامل روایت‌های شخصی است که تاثیر سانسور بر زندگی و کار نویسندگان را توصیف می‌کند. این داستان‌های شخصی موضوع را انسانی می‌کنند و آن را برای مخاطب قابل درک‌تر می‌کنند.

۴. **گیمیفیکیشن:** سازندگان کتابخانه بدون سانسور از تکنیک Gamification یا «به شکل بازی درآوردن محتوا» استفاده می‌کنند تا آن را برای مخاطب جوان جذاب‌تر و با ارزش‌تر کنند. بازیکنان می‌توانند کتابخانه را در این بازی کاوش کنند، اتاق‌های مخفی را پیدا کنند و برای خواندن مقالات امتیاز کسب کنند.

امیدواریم این مثال‌های خلاق جهانی بتواند الهام‌بخش کمپین‌هایی باشد که شما برای آگاه‌سازی نسبت به حقوق سیاسی یا اجتماعی دیگران می‌توانید خلق کنید.

